

عنوان مقاله:

تحلیل رمان روزگار سیاه اثر عباس خلیلی از منظر دانش جرم شناسی (بارویکرد میان رشته ای)

محل انتشار:

فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 13، شماره 32 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

رسول افصلی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تربیت هیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه؛ وکیل دادگستری

مهیار علوی مقدم

محمود فیروزی مقدم - ادبیات و علوم انسانی

خلاصه مقاله:

آثار داستانی معاصر فارسی به عنوان گنجینه ای غنی و پر بار، دارای ظرفیت ها و قابلیت های گوناگونی است و این مجموعه را از دیدگاه های مختلف و با رویکرد های متفاوت می توان مورد مطالعه و تحقیق قرار داد. مباحث متعددی همانند جامعه شناسی، حقوق و روان شناسی در ادبیات داستانی نهفته است. با درنگ در این آثار از منظر علم حقوق، به ویژه دانش جرم شناسی به عنوان علمی نوپا و چند بعدی می توان تحقیقاتی را به انجام رساند که تلفیق تجربه ها و روش ها و بهره گیری همزمان از دستاوردهای هر دو رشته زبان و ادبیات فارسی و حقوق را به ارمغان آورد و گامی بلند در جهت مطالعات میان رشته ای برداشت. با این نگاه، در مقاله پیش رو، رمان روزگار سیاه اثر عباس خلیلی به عنوان یکی از نخستین نمونه های رمان اجتماعی که در پاسخ به مقتضیات روز جامعه ایرانی در دوره پهلوی اول پدید آمده بود با نگاهی جرم شناختی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. نویسنده در این اثر به واسطه نگاه نقادانه اجتماعی و توصیفات زنده و دردناک به ترسیم خوفناک وضعیت زن ایرانی پرداخته است. دستاورد این مقاله که به روش تحلیلی-توصیفی و بر مبنای روش کتابخانه ای به انجام رسیده است بیانگر آن است که آثار داستانی معاصر فارسی دارای آموزه های حقوقی و رهیافت های آسیب شناختی در زمینه مسایل مرتبط با دانش جرم شناسی و علل وقوع جرایم می باشد که تبیین صحیح آنها و خوانش درست این گزاره ها و مفاهیم حقوقی، پیوند میان رشته ای ادبیات و حقوق و در نتیجه عاملی موثر در پیشگیری از جرائم و اصلاح فرد خواهد بود.

کلمات کلیدی:

مطالعات میان رشته ای، رمان روزگار سیاه، عباس خلیلی، جرم شناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1703923>

